انترناسیونال 779

**جایگاه و اهمیت شوراها در شرایط حاضر**

**پرسش از حمید تقوایی**

تاکید رهبران کارگری گروه ملی اهواز و هفت تپه بر ضرورت تشکیل شوراهای مستقل کارگری و مردمی در تجمع کارگران این دو مجتمع بازتاب گسترده ای در مطبوعات و مدیای اجتماعی داشت و مورد توجه وسیع قرار گرفت. در این رابطه با حمید تقوایی گفتگو میکنیم.

خلیل کیوان: چرا سخنان این دو رهبر کارگری و تاکید بر ضرورت تشکیل شوراها در این شرایط چنین بازتاب گسترده ای را در پی داشته است؟

حمید تقوایی: بخاطر اینکه شرایط امروز بیش از هر زمان دیگر تشکیل شوراها را ضروری کرده است. نمایندگان و پیشروان جنبش کارگری با تاکید بر شوراهای مستقل کارگری و شوراهای مردمی در واقع به این ضرورت پاسخ میدهند.

در پایه این ترین سطح ضرورت تشکیل شوراها از ناتوانی و استیصال کامل حکومت در پاسخگوئی به ابتدائی ترین نیازهای توده مردم نشات میگیرد. درماندگی و بن بست و بی افقی حکومت، که امروز حتی خود مقامات هم به آن معترف هستند، برای توده مردم عملا راهی بجز دست زدن به عمل مستقیم و اعمال ارده برای حل مشکلاتی که روزبروز غیر قابل تحمل تر میشود باقی نمیگذارد. حکومت نه تنها از حل مسائل عاجل مردم که به بقای جامعه مربوط میشود عاجز است بلکه چشم اندازی هم برای حل و یا تخفیف این مسائل ندارد. این وضعیت نه تنها بطور عینی توده مردم را به این سمت میراند که برای حل و فصل امور عاجلشان خود دست بکار بشوند، بلکه در یک سطح پایه ای مردم را به این نتیجه میرساند که دولت مافوق مردم زائده ای است که میتواند بریده بشود و بدور انداخته بشود. این وضعیت اساس و کنه و مبنای طرح گفتمان "شوراهای مستقل کارگری و مردمی" در شرایط امروز است.

بر متن چنین شرایطی است که گفتمان شورا در جنبش کارگری از تلاش برای تشکیل مجمع عمومی و مبارزه برای تحقق مطالبات صنفی کارگران فراتر میرود و شکل عمل مستقیم کارگری برای در دست گرفتن امور را بخود میگیرد. امروز نمایندگان کارگری صریحا از اعمال کنترل و نظارت بر واحد تولید خود و بر دولت و از ایفای "نقش همگان در مدیریت کشور" صحبت میکنند. این گفتمان و طرح شوراها در این ظرفیت یک شیوه موثر مقابله عملی کارگران با حکومتی است که روز بروز بیشتر کنترل اوضاع را از دست میدهد.

عامل دیگری که تشکیل عملی شوراها را یجاب میکند تقویت جنبش گسترده جاری برای بزیر کشیدن حکومت است. مبارزات و اعتراضات گسترده کارگری در چند سال اخیر خود یک عامل مهم در زمینه سازی جنبش توده ای و سرنگونی طلبانه جاری بوده است و در شش ماه اخیر جنبش کارگری با طرح خواستها و شعارهای رایکال، با اعتصابات و تظاهرات و تجمعات گسترده، و با بچالش کشیدن مقامات و کارفرمایان در صف مقدم جنبش عمومی مردم قرا گرفته است. خواست و تلاش برای تشکیل شوراها و تشکیل مجمع عمومی در مبارزات کارگری میتواند به الگوی سازمانیابی جنبش عمومی مردم برای سرنگونی حکومت تبدیل بشود. مردمی که با شعار جمهوری اسلامی نمیخواهیم به خیابان آمده اند در تجربه خود بیش از پیش در می یابند که برای رسیدن به این هدف باید متحد و متشکل شد و شورا مناسب ترین شکل تشکیلاتی برای سازماندهی این مبارزه است. از این زاویه باید به شوراها بعنوان شکل سازمانی جنبش سرنگونی نگریست و به منظور تقویت و پیشبرد جنبش انقلابی برای بزیر کشیدن حکومت سازماندهی آن را در دستور گذاشت.

خلیل کیوان: اشاره کردید رهبران کارگری، هم از شوراهای کارگری و هم از شوراهای مردمی صحبت میکنند. چه رابطه ای بین این دو هست؟ آیا زمینه شکل گیری شوراها در بخشهای دیگر جامعه هم وجود دارد؟

حمید تقوایی: در شرایط انقلابی شوراها نه تنها در جنبش کارگری بلکه در سطح جامعه مطلوبیت توده ای و عمومی پیدا میکنند. آخرین نمونه شکل­گیری وسیع شوراها در انقلاب ٥٧ بود. به نظر من علت این امر رویگردانی توده مردم از "بالائی ها"، از اتوریته مافوق مردم و اتکا بقدرت خود در شرایط انقلابی است. روی آوری جامعه به شوراها و یا تشکلهای نوع شورائی ناشی از تئوری و یا استراتژی سیاسی احزاب و نیروهای سیاسی نیست، بلکه در شرایط عینی جامعه ای که برای زیر و رو کردن وضع موجود بپا خاسته ریشه دارد. هم در تجربه کمون پاریس، هم در تجربه انقلاب اکتبر و انقلاب ٥٧ ایران، و این اواخر در تجربه جنبش اشغال- که گرچه به انقلاب منجر نشد اما اساس آن بچالش کشیدن قدرت یک درصدیهای حاکم بود- ما شاهد شکلگیری تشکلهای نوع شورائی بوده ایم و وجه مشترک این تحولات، علیرغم تفاوتهای اساسی شان با یکدیگر، بزیر سئوال بردن قدرت مافوق مردم و ماشین دولتی است. در شرایط حاضر ایران هم توده مردم با شعار جمهوری اسلامی نمیخواهیم بمیدان آمده اند و تشکلهای توده ای نوع شورائی شکل مناسب و منطبق بر این شرایط است.

نکته مهمی که در این رابطه باید تاکید کرد نقش پیشروی جنبش کارگری در مطرح کردن و دامن زدن به گفتمان شوراها در کل جامعه است. به نظر من نمایندگان کارگران که از "شوراهای مردمی" سخن میگویند بر اهمیت نقشی که جنبش کارگری میتواند در این زمینه ایفا کند واقف هستند.

خلیل کیوان: آیا در توازن قوای کنونی تشکیل شوراهای کارگری و مردمی در سطح گسترده ممکن است؟

حمید تقوایی: همانطور که گفتم در وضعیت حاضرشرایط سیاسی و اجتماعی مساعدی برای شکلگیری شوراها وجود دارد. رژیم با یک بحران عمیق سیاسی و بن بست و فروپاشی کامل اقتصادی روبروست و افق و چشم اندازی هم برای رفع و یا حتی تخفیف این وضعیت ندارد. از سوی دیگر توده مردم عزم جزم کرده اند که از شر حکومت اسلامی خلاص بشوند. مردم در شعارهایشان اعلام کرده اند بازی اصلاح طلب اصولگرا به آخر رسیده است، جواب هوچی گریهای ضد آمریکائی حکومت را با فریاد "دشمن ما همین جاست" داده اند و صریحا اعلام کرده اند جمهوری اسلامی را نمیخواهند. این شرایط ایجاد تشکلهای توده ای نوع شورا را نه تنها مطلوب و ضروری بلکه همچنین امکانپذیر میکند. اما اینکه عملا شوراها در چه سطحی تشکیل خواهند شد تماما به عملکرد نیروهای چپ و انقلابی نظیر حزب ما و فعال شدن پیشروان و فعالین جنبش کارگری و دیگر جنبشهای حق طلبانه بستگی دارد. حزب ما همواره مبشر و مبلغ شوراها بوده است و بویژه در شرایط حاضر با تمام توان میکوشد به جنبش شورائی دامن بزند و شوراها در سطح هر چه وسیعتری در میان کارگران و در میان توده مردمی که برای تغییر وضع موجود بپا خاسته اند تشکیل بشود.

خلیل کیوان: در شرایطی که جمهوری اسلامی هنوز روی کار است شوراها چه نقشی می توانند داشته باشند؟ بعد از سرنگونی حکومت چه نقشی را می توانند بعهده داشته باشند؟

حمید تقوایی: شوراها تا قبل از سرنگونی حکومت اساسا از دو جنبه ای که بالاتر اشاره کردم، یعنی هم بعنوان ارگان دخالت مستقیم مردم برای پاسخگوئی به مسائل عاجل خود و هم بعنوان اهرمهای مبارزه برای بزیر کشیدن حکومت ضرورت پیدا میکنند. و هر دو این جنبه ها، که بنوبه خود از ناتوانی و بن بست کامل حکومت ناشی میشود، مختص شرایط انقلابی و متضمن دخالتگری و عمل مستقیم توده مردم در روند جنبش انقلابی برای سرنگونی حکومت است.

بعد از سرنگونی حکومت شوراها ارکان و سنگ بنای حکومتی هستند که ما کمونیستها خواهان آن هستیم. شوراهای حکومتی از نظر نقش و وظیفه و عملکردشان با شوراهای مبارزاتی متفاوت اند اما وجه مشترک هردو، که باعث میشود نام مشترکی داشته باشند، اعمال اراده مستقیم مردم متشکل در شوراهاست. قبل از سرنگونی حکومت این اعمال اراده بر متن جنبش سرنگونی و برای بزیرکشیدن حکومت صورت میگیرد و بعد از سرنگونی برای حکومت کردن و اداره جامعه. شورا در هردو این ظرفیتها حتی اگر در سطح گسترده ای در کل جامعه تشکیل بشود و بخشهای مختلف مردم را در بر بگیرد، مُهر طبقه کارگر را بر خود دارد. طبقه کارگر در حفظ هیچ نهاد و گوشه ای از سیستم حکومتی حاضر هیچ منفعتی ندارد و خواهان در هم شکستن کل ماشین دولتی مافوق مردم است. بهمین دلیل سازماندادن شورائی انقلاب و مبارزه برای خلع ید از طبقه حاکمه و همچنین برای اعمال قدرت و اراده توده مردم در امر حاکمیت امری کارگری است. توده مردمی که به شوراها روی می آورند در واقع افق و چشم انداز طبقاتی کارگران را پذیرفته اند.

خلیل کیوان: جمهوری سوسیالیستی متکی بر شوراها است. این شوراها در حکومت سوسیالیستی چه نقش و وظایفی بعهده دارند؟

حمید تقوایی: شوراها سنگ بنای حکومت سوسیالیستی هستند. حکومت سوسیالیستی حکومت مستقیم همه شهروندان جامعه است. در نظام سوسیالیستی شوراها هم بعنوان قانونگذار و هم مجری قوانین عمل میکنند و همه تصمیمات در همه سطوح بوسیله شوراها اتخاذ میشود. عزل و نصب مسئولین نیز مستقیما بوسیله شوراها، هر گاه اراده کنند، صورت میگیرد.

بنابرین حکومت شورائی، بر خلاف حکومتهای پارلمانی که هر چند سال یکبار مردم را برای "انتخاب" یکی از بین چند، و معمولا دو، حزب حاکم به پای صندوق رای میکشند و تا انتخابات بعدی به هیچکس جوابگو نیستند، ضامن دخالتگری جمعی هر روزه همه مردم در اداره امور جامعه است. به این معنی در ساختار شورائی، حکومت مافوق مردم نفی میشود و این شکل متناسب حکومتی است که استثمار اکثریت بوسیله یک مشت اقلیت مفتخور را ملغی کرده باشد. یعنی حکومتی که بخواهد بردگی مزدی را نفی کند و به مالکیت خصوصی بر ابزار تولید خاتمه بدهد. بعبارت دیگر شورا شکل و ساختار متناسب با حکومت سوسیالیستی است.

این نکته را هم لازمست اشاره کنم که ساختمان شورائی حکومت سوسیالیستی نافی وجود و فعالیت احزاب سیاسی نیست. بر عکس آزادترین و دموکراتیک ترین شرایط را برای فعالیت احزاب مختلف و جلب نظر توده مردم به سیاستهای خود فراهم می آورد. در جمهوری سوسیالیستی احزاب و سازمانهای سیاسی باید تلاش کنند از طریق شوراها و با تاثیرگذاری بر آنها اهداف خود را به پیش ببرند. در عین حال باید توجه داشت که شورا شکل مناسبی برای عملی کردن سیاستهای احزاب دست راستی نیست. پیشبرد سیاستهائی نظیر ریاضت کشی اقتصادی و برقراری بردگی مزدی و یا براه انداختن جنگ و لشکرکشی به کشورهای دیگر، از طریق رای مستقیم مردم متشکلی که هر زمان اراده کنند میتوانند مسئولین را بزیر بکشند عملا امکان پذیر نیست. سوسیالیسم خودبخود از شوراها ساطع نمیشود ولی سیاستهای کاپیتالیستی را هم با هیچ ترفند و عوامفریبی ای نمیتوان به خط مسلط در شوراهای واقعی تبدیل کرد. پیشبرد سیاستهای بورژوائی از طریق "شوراها" تنها با مسخ و تحریف و فرمال کردن این ارگانها و در واقع نفی عملی آنها ممکن است. امری که در شوروی در دوره استالین اتفاق افتاد. در انقلاب ٥٧ نیز حکومت ضد انقلابی ای که به نام انقلاب بقدرت رسیده بود شوراهای واقعی را در هم کوبید و برای کنترل جنبش کارگری به شوراهای اسلامی متوسل شد. این نوع شوراهای مسخ و تحریف شده در واقع سوءاستفاده حکومتهای بورژوائی و مافوق مردم از نام شوراهاست. در تقابل یا این نوع شوراهای مسخ شده است که امروز نمایندگان کارگری به درست بر شوراهای واقعی کارگران و شوراهای واقعی مردمی تاکید میکنند. شوراهای واقعی تنها میتوانند ابزار پیاده کردن سوسیالیسم باشند.